



۵۴

هیئت مریدان اهل بیت (ع) در محله التیمور، محفلی برای نیایش و همدلی توان یابان است

## وقتی کسی به فکرمان نبود

عکس: فهیمه فرخی/شهرآرا

با پیگیری شهرآرا محله، نخاله‌های ساختمانی  
از زمین طبرسی شمالی ۵۶ جمع‌آوری شد  
پاکیزگی به نیک خلق ۳ برگشت

۲



۶

فکر بکر بانوی محله راه‌آهن  
هنر حصیربافی خطه جنوب را در مشهد زنده کرد  
میوه کارآفرینی درخت «داز»

۷

روایت یک قدم خیر که به همت والدین  
بچه‌های مدرسه صفورا برداشته شد  
تقسیم شادی بین دانش‌آموزان



با پیگیری شهرآرا محله، نخاله‌های ساختمانی از زمین طبرسی شمالی ۵۶ جمع‌آوری شد

## پاکیزگی به نیک خلق ۳ برگشت

شهامت احمد نمی‌داند چند سال دارد. او دارد با یک تکه چوب، نخاله‌ها را زیر و رو می‌کند تا با خرده سنگ‌هایی که پیدا می‌کند، خانه بسازد. درست کنار شیشه‌های خرد شده‌ای که هر آن ممکن است دست‌های کوچکش را زخمی کند. چند قدم آن سوتر، یک توپ پلاستیکی، با شوت‌های یونس و امیرعباس، دقیقه‌ای چند بار طول و عرض زمین خاکی واقع در طبرسی شمالی ۵۶ را گز می‌کند. این زمین با تمام مشکلاتی که داشت، تا یک سال پیش برای کودکان این محدوده، جای تفریح‌های نداشت‌شان را پر می‌کرد اما تخریب خانه‌ای در کنار زمین، شروع اتفاقاتی ناخوشایند برای کودکان و دیگر اهالی کوچه‌های نیک خلق ۳ و ۵ بود.



### تبدیل به زباله‌دانی

«باشد؛ ما حاشیه شهری هستیم ولی این وضعیت، حقمان نیست به خدا.» به شکایت‌هایی که می‌کند، خرده‌ای نیست. زینب آکارو همسایه‌هایی که تعدادشان برای گفتن از مشکلات این زمین رها شده، لحظه به لحظه بیشتر می‌شود، خسته شده‌اند از پیگیری‌های چندباره برای موضوعی که به فهرست کاستی‌های محله‌شان اضافه شده است. ماجرای این زمین و تبدیل آن به زباله‌دانی را سوسن سلیمی برایمان می‌گوید که هجده سال از کار است با مشکلات این محدوده، دست و پنجه نرم می‌کند؛ نوروز پارسال بود که آمدند خانه مجاور زمین خاکی را خراب کردند. گفتند غیرمجاز ساخته شده است. می‌بینید که هنوز خاک و نخاله‌هایش درست جمع نشده است. از آن زمان اینجا شد زباله‌دانی. به خصوص اینکه زباله‌هایمان منظم جمع نمی‌شود. بعضی اهالی هم که متأسفانه فرهنگشان پایین است. سرجمع این‌ها شده است وضعیتی که می‌بینید.

### شیوع مشکلات پوستی

بین همه‌ای که همسایه‌ها به راه انداخته‌اند، می‌شود حرف‌های مشترکی شنید. مثل احساس خجالت از این وضعیت و کنایه مهمانانی که از دور و نزدیک به خانه‌هایشان می‌آیند؛ «چند روز دیگر نوروز می‌شود و دوست و آشنا برای عید دیدنی می‌آیند. هر قدر هم که در و دیوار را بساییم، ابتدا چشمشان به کثیفی زمین خاکی می‌افتد و خجالت می‌کشیم از حرف‌هایی که می‌زنند.» به مامی گویند دلتان را خوش کرده‌اید که شهر نشین هستید؛ این هم شد وضع زندگی؟! «گفته بودید مترو دارید نزدیک خانه‌تان. خوب است ولی این اشغال‌ها...» «شهرداری‌تان نمی‌تواند همین چهار و پنج پارک بسازد تا بچه‌هایتان توی خاک و خل بازی نکنند؟» جمله آخر را محترم‌امانی می‌گوید. در یک درمانگاه، تکنسین رادیولوژی است و به واسطه حضورش در محیط کاری تمیز، بادشواری، شرایط محیط سکونتش را تحمل می‌کند. او ادامه می‌دهد: مدتی با ماسک و دستکش، برای نظافت این زمین اقدام می‌کردم اما به واسطه سروکار داشتن با زباله‌ها به بیماری عفونی مبتلا شدم و به حال مرگ افتادم. مدرسه اسفندیاری که تعطیل می‌شود، اینجا غلغله می‌شود. بچه‌اند دیگر. توی خانه‌های ۴۵ متری که نمی‌توانند بازی کنند. می‌آیند توی این زمین که یک گوشه‌اش زباله است و اگر بارندگی باشد، پراز گودال‌های آب و گل است و نباشد، پراز گرد و خاک. برای همین لای انگشتان پای بچه‌هایمان دائم زخم می‌شود.

### تلاش‌های کم‌فایده

مردمی که دغدغه نظافت محیط را دارند با بیگرائی که از کوچه‌های اطراف، زباله‌هایشان را به اینجا می‌آورند، از در گفت و گو وارد شده‌اند؟ سلیمی می‌گوید: خانم جان نمی‌شود با همسایه‌ات در بیفتی. وقتی تذکر می‌دهیم، گوشه و کنار زمین را نشانمان می‌دهند و می‌گویند: چشمتان را روی این همه اشغال بسته‌اید و فقط این یک پلاستیک زباله را می‌بینید؟

نکته‌ای که اهالی روی آن اتفاق نظر دارند، این است که پاکبان محله در کارش کوتاهی نمی‌کند، اما شرایط جوری است که دیگر نظافت این محدوده از او ساخته نیست. اشاره آن‌ها به جواد دادگر است که از سه سال پیش، نظافت این محدوده را به عهده دارد.

او که آخرین دقیق روز کاری‌اش را سپری می‌کند، روی افزایش مشکلات نظافت این محدوده، پس از تخریب خانه یاد شده، صحنه می‌گذارد و برایمان درباره تلاش‌های کم‌فایده‌اش برای تمیز ماندن این زمین می‌گوید: زمین را نظافت می‌کنم و می‌روم کوچه بعدی؛ در برگشت می‌بینم زباله‌های جدیدی گذاشته شده است. قبل از اینکه خانه را خراب کنند، این طور نبود. خدا نکند مردم یک گوشه، تلی از خاک ببینند، آنجا را می‌کنند زباله‌دانی!

### پاک‌سازی زمین امروز

تماس‌های تلفنی مان با مدیران شهرداری منطقه ۳ از همان جا شروع می‌شود؛ مجاورت زباله‌ها و گل‌ولای ناشی از بارندگی هادر زمین خاکی.

محدوده یاد شده در حوزه استحفاظی ناحیه ۲ شهرداری منطقه ۳ است و غلامرضا زاهد، رئیس اداره خدمات شهری این ناحیه، می‌گوید: مسئولیت جمع‌آوری نخاله ساختمانی‌هایی که غیرمجاز ساخته شده و با حکم دادستانی تخریب می‌شوند، بر عهده اداره مهندسی و نظارت بر ساخت و سازهاست؛ با این حال ما برای رها شدن اهالی محله از مشکلات ناشی از نخاله‌های این بنای قلع شده، آماده همکاری هستیم.

اواز ماقدری زمان می‌خواهد تا با اداره یاد شده برای انجام کاری مشترک، هماهنگی‌های لازم را انجام دهد. پیگیری نتیجه از او، به خبری خوشایند منجر می‌شود؛ اینکه پنجشنبه گذشته، نخاله‌ها با همکاری پلیس ساختمان و اداره خدمات شهری منطقه ۳ جمع‌آوری شد و پاکیزگی به کوچه شهید نیک خلق ۳ برگشت.



ویدیوی این گزارش را اینجا ببینید



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

۴



### ○ کودکان محله رده در پویش ملی «مسطورا»

مسطورا عنوان پویشی ملی است که بنا دارد طی سه سال، مفاهیم کلیدی قرآن را در جامعه، گفتار سازی کند. مسجد جواد الائمه<sup>(ع)</sup> در محله رده با پیوستن به این پویش در بخش دختران و پسران ۸ تا چهارده ساله، در شب های ماه رمضان، میزبان اجرای برنامه های مختلفی برای تحقق هدف یاد شده است.



### ○ مهمان خانه خدا در ماه مهمانی خدا

شهامت ا خیریه امام رئوف<sup>(ع)</sup> که بیشتر تمرکز خود را بر رفع نیازهای نیازمندان مناطق ۳ و ۴ قرار داده است، این بار با تقبل هزینه های انجام یک کار خیر، چتر اقدامات خود را بر سر عموم اهالی محله رده گسترده است. مسجد موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> که حداقل پنجتن ۸ و ۱۰ و در یکی از پرازدحام ترین نقاط این محدوده تجاری مسکونی قرار دارد، در همه شب های رمضان امسال، میزبان سفره های افطاری ساده ای است که این خیریه، بانی پهن شدن آن برای پذیرایی از کسبه، اهالی و رهگذران روزه دار است.

### ○ پاسخ به چالش های فرزندپروری

چالش های میان والدین و فرزند نوجوان و جوانان، موضوعی است که مسجد جامع جواد الائمه<sup>(ع)</sup> در محله تلگرد برای رفع آن اقدام به برگزاری دوره های آموزشی کرده است. در این دوره که نخستین جلسه آن، دو شنبه پیش و با تدریس حجت الاسلام والمسلمین مهدوی صفت، کارشناس فرهنگی مسجد برگزار شد، مادران برای فهم ریشه های مشکلات امروز خود با فرزندانشان، با مبنای فرزندپروری آشنا شدند. پاسخ به ابهامات و پرسش های موردی آن ها از بخش های این سلسله نشست های تربیتی است.



### ○ مهارت آفرینی رایگان برای بانوان محله

دکور کیک، سنگ مصنوعی، تریکوبافی، آرایشگری و خیاطی تنها تعدادی از هفده سرفصل آموزشی تعریف شده در مرکز یاددهی و یادگیری نرجس واقع در محله التیمور است که افزایش مهارت های بانوان محله را هدف قرار داده است. نکته شایان توجه در این دوره ها که بر اشتغال زایی و تقویت مبنای اعتقادی بانوان توجه دارد، این است که به ازای حضور در کلاس ها از هنر جو هزینه ای دریافت نمی شود، مگر اینکه در کلاس ها غیبت داشته باشند.



### بفرمایید افطار

پویش «بفرمایید افطار» با هدف ترویج سنت حسنه افطاری ساده در منطقه ۴ در حال اجراست. این پویش با مشارکت مساجد، هیئات مذهبی، تشکل هادر مکان های پرتردد از جمله ایستگاه های مترو فجر، ولایت، طبرسی و پایانه اتوبوس رانی طبرسی شمالی میزبان روزه داران است.



شهر خبر

۴

هیئت یاس نبی<sup>(ص)</sup> در محله تلگرد میزبان جشن کودکان بود

### روز خاص روزه داران کوچک

شهامت دختران خردسال عضو هیئت یاس نبی<sup>(ص)</sup> در هفته ای که گذشت، میزبان و مهمان جشن پروپیمانی بودند. آن ها در این مراسم که در مسجد امام رضا<sup>(ع)</sup> واقع در محله تلگرد برگزار شد، شاهد قدرانی از دختران هم محله ای شان بودند که در پویش حفظ سوره الرحمن، شرکت کردند و موفق به اتمام حفظ آیات این سوره شدند. تهیه بسته های افطاری ساده و توزیع بین نیازمندان آبرومند محله، جمع خوانی قرآن کریم و نشست بر سفره افطار که خود، دست اندرکار پهن شدن آن بودند، از دیگر بخش های این دوره می به یادماندنی بود.



### رنگ نو بر جداول منطقه

در آستانه فرارسیدن سال نو به منظور زیباسازی فضای شهری، عملیات رنگ آمیزی جداول در معابر درجه یک منطقه ۴ از جمله خیابان های نبوت، شهید باهنر، بولوار پنجتن و... انجام شد. در این پروژه بیش از ۷۰ هزار متر طول از جداول معابر اصلی این منطقه رنگ آمیزی شده است و تا قبل از بهار ۱۴۰۴ به بیش از ۱۰۹ هزار متر می رسد.

### مسیری برای رکاب زنی

پروژه رنگ آمیزی مسیر ویژه دوچرخه سواری منطقه ۴ در حال اجراست. برای این پروژه که در مسیر میدان فجر تا بولوار نبوت قرار دارد، شهرداری ۴۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته و تاکنون یک کیلومتر آن اجرا شده است. تا پایان سال نیز مسیر رفت و برگشت خیابان طبرسی جنوبی (تقاطع نبوت تا میدان فجر) عملیاتی خواهد شد.

هیئت مریدان اهل بیت (ع) در محله التیمور، محفلی برای نیایش و همدلی توان یابان است

## وقتی کسی به فکرمان نبود



شاهیان هیچ اتوبوسی آن طور که مناسب شرایط جسمی شان است برایشان ساخته نشده است. هیچ مسیر ویژه‌ای برایشان طراحی نشده است که بی عیب و ایراد باشد. و نگاه‌ها کمتر به آن‌ها عادی است. وقتی دیگران برایشان کاری نکردند، خودشان دست به کار شدند. رفت و آمد به مساجد و تکایا سخت بود و نگاه‌های مردم دشوارتر. برای همین هیئت توان یابان راه انداختند. جایی که نه تنها در آن توسل می‌کنند و عقده دل می‌کشایند، بلکه راه‌هایی برای گره‌گشایی از زندگی هم در انشان پیدا می‌کنند. از کمک به خانواده‌های نیازمند گرفته تا تلاش برای جلب توجه مسئولان امر و بهبود مشکلات. این هیئت فقط یک مکان مذهبی نیست، بلکه محفلی برای همدلی و پویایی است. هیئت مذهبی مریدان اهل بیت (ع) در محله التیمور، یک سال و نیم است که فعالیت مجوزدارش را آغاز کرده است و حالا بیش از هفتاد مستمع ثابت دارد؛ مستمعانی که گرچه بیشترشان اهالی مجتمع‌های محمدیه در خیابان پنجنتن ۵۵ هستند، از سایر نقاط شهر نیز هستند که خودشان را به برنامه‌های این هیئت می‌رسانند.



### فقط برای دعانیت

«دعا بخوانیم، تمام شود؟ نه! این هیئت باید وسیله‌ای باشد برای خیر رساندن». این جمله را یکی از اعضای قدیمی و بنیان‌گذار هیئت می‌گوید. هیئت توان یابان فقط برای برگزاری مراسم اعیاد و عزاداری نیست، بلکه واسطه‌ای شده برای رساندن دارو، کمک‌های معیشتی، تأمین لوازم خانه و مهم‌تر از همه، حمایت از خانواده‌های درگیر با مشکلات معلولیت و جسمی و حرکتی.

مهدی چناری توضیح می‌دهد: امسال بیش از صد بسته معیشتی توزیع کردیم، هزینه دارو پرداخت کردیم و در حد بضاعتمان لوازم خانه تهیه کردیم. امام‌هم‌تر از همه این‌ها، اینجا جایی است که توان یابان از انزوای بیرون می‌آیند، کنار هم قرار می‌گیرند و می‌فهمند که تنها نیستند.

### مداحی و گره‌گشایی

بسیاری از اعضای هیئت، سابقه فعالیت در دیگر هیئت‌های مذهبی را دارند. چناری که بیش از ۱۰ سال در هیئت‌های دیگر فعال بوده است، می‌گوید: ما صرفاً یک هیئت دیگر راه نینداختیم که فقط مراسم مذهبی برگزار کنیم. آمدیم که بیشتر بتوانیم خدمت کنیم. هر گرفتاری، هر مشکلی که خانواده‌های توان یاب دارند، سعی می‌کنیم تا جایی که بتوانیم حلش کنیم.

این کمک‌ها فقط مالی نیست. حمایت‌های روحی و اجتماعی، ایجاد حس اعتماد به نفس و کنار هم نگاه داشتن افرادی که ممکن بود به خاطر شرایطشان منزوی شوند، مهم‌ترین نقش این هیئت است. تکتم چناری درباره روزهای اولی که وارد این جمع شد، می‌گوید: اولش خجالت می‌کشیدم، ولی کم‌کم دیدم که اینجا همه مثل هم هستند؛ همه درک می‌کنند، نیازی به توضیح دادن و معذرت‌خواهی نیست. همین است که هستیم و باهم قوی‌تر شدیم.

### ایستادیم و ساختیم

این هیئت نه وابسته به جایی و نه از حمایت‌های خاصی برخوردار است. کمک‌های مالی و امکانات از طریق مردم و با پشتکار اعضای خود هیئت و خیران تأمین می‌شود. البته که اعضای هیئت هم با مسائل معیشتی و هزینه‌های درمان دست به‌گریبان‌اند. آرزو آفقهی، یکی دیگر از اعضا، توضیح می‌دهد: یک فرم شناسایی داریم که افراد نیازمند خودشان درخواست می‌دهند، بعد ما تحقیق می‌کنیم که واقعا نیاز دارند یا نه. بعد هم هر کمکی که از دستمان برآید، انجام می‌دهیم.

امام‌هم‌ترین دستاورد این جمع، نه بسته‌های معیشتی و نه داروهای تأمین شده، بلکه روحیه‌ای است که بین اعضایش جریان دارد؛ «خیلی وقت‌ها شده است که احساس ناامیدی کنیم، ولی این جمع دوباره آن حال خوب را به ما برگرداند است.»

### نگاه‌های اجتماعی را چه کنیم؟

مشکلات توان یابان فقط محدود به موانع فیزیکی نیست. نگاه‌های اجتماعی و حس نادیده گرفته شدن، بزرگ‌ترین چالش آن‌هاست. مرضیه بزدانی، یکی از اعضای هیئت که فرزند معلول دارد، می‌گوید: خیلی از ما تجربه نگاه‌های تحقیرآمیز یا تحقیرآمیز به اعضای خانواده‌مان را داشته‌ایم، ولی این هیئت به ما نشان داد که معلولیت، محدودیت نیست و خجالت ندارد. این جمع نه فقط برای مراسم مذهبی، که برای مناسبت‌های دیگر نیز کنار هم جمع می‌شوند. اردوهای زیارتی، دوره‌های صمیمانه و حتی تلاش برای تغییرات شهری از جمله فعالیت‌های آن‌هاست. تکتم چناری با خنده‌ای از روی ناراحتی می‌گوید: این اتوبوس‌های جدید که همه می‌گویند برای توان یابان مناسب است، حدود پنجاه سانتی متر از سطح زمین ارتفاع دارد. من نمی‌دانم چطور یک فرد با مشکلات حرکتی می‌تواند از آن پله بلند، بالا برود. بارها زنگ زدیم، گفتیم، پیگیری کردیم، ولی هنوز هم تغییری ندیده‌ایم.



## سهم مادر ایستگاه صلواتی

### مهدي چناری، بنیان گذار و عضو هیئت مدیره هیئت



من تانوجوانی سالم بودم، حتی تاییست سالگی می توانستم موتورسواری کنم، اما معلولیت ژنتیکی ام رفته رفته شدت گرفت. از کودکی در هیئت ها بزرگ شدم، یک طبقه از خانه مادرم مخصوص عزاداری بود. خودم هم عضو چند هیئت فعال در مشهد هستم. با این حال، همیشه دوست داشتم هیئتی مخصوص توان یابان راه اندازی کنم. حتی اگر در این مجتمع ساکن نبودم، این کار را می کردم. معلولان هم از نظر جسمی سختی دارند، هم نمی توانند در هیئت های دیگر شرکت کنند. ۱۳ آذر، روز جهانی معلولان، هیئتمان راه اندازی کردیم. آن راثبت کردیم تا کارها را بدون مشکل جلو ببریم و هفت عضو هیئت مدیره داریم. هر هفته دوشنبه ها بدون پروبرگرد حدیث کساء می خوانیم و بعد از آن منبر برگزار می شود. آقای کاظمی که خودش هم از خانواده معلولان است، سخنرانی می کند. یک بار، عید غدیر پارسال، در کوچه علوی، راسته پنجنتن ۵۵ ایستگاه صلواتی زدیم. معمولاً مجوز این ایستگاه ها را به هیئت های سرشناس می دهند، اما ما هم توانستیم سهمی در این جشن بزرگ داشته باشیم.

هدف ما فقط عزاداری نیست، بلکه ایجاد ارتباط بین توان یابان و مسئولان است. ما خیرری می شناسیم که می تواند دستگاه تولید لوازم بهداشتی در اختیار ما بگذارد تا برای توان یابان اشتغال زایی کنیم، اما به فضایی مناسب نیاز داریم. امیدواریم که روزی این تعامل بین جامعه توان یابان و مسئولان برقرار شود و ما بتوانیم به استقلال بیشتری برسیم.

## اینجا احساس راحتی می کنم

### تکنم چناری، عضو هیئت مدیره هیئت و خادم بار حرم



سال هاست که به فعالیت های مذهبی مشغولم. در کنار خادم یاری حرم، تلاش می کنم در این هیئت هم فعالیت داشته باشم. هیئت فقط برای عزاداری نیست، بلکه فرصتی برای رشد و حمایت از یکدیگر است. خاطر هست یک روز در مهد الرضا<sup>(ع)</sup> کودکی، من را به مادرش نشان داد و خندیدند. در حالی که وقتی چادر سرم است، معلولیتم خیلی مشخص نیست، به ویژه چند سال پیش که مشکل یایم به شدت الان نبود. یک روز بعد فهمیدم شاگرد خودم است. متأسفانه ما همه جا با این نگاه ها روبه رو هستیم؛ به همین دلیل در هیئت خودمان احساس راحتی می کنیم.

## به خاطر خانواده ام آدم

### مرضیه یزدانی، عضو گروه اجرایی هیئت



معلول نیستیم، اما دو نفر از عزیزانم در خانه با این چالش روبه رو هستند. همسر من مشکل اعصاب و روان دارد و بستری است. پسر من طها، دوازده سال دارد و معلول جسمی و حرکتی است. از وقتی وارد هیئت شدم، حس کردم یک خانواده جدید پیدا کرده ام. فهمیدم که افراد زیادی شرایط مشابه من را دارند. اینجا نه تنها برای عزاداری، بلکه برای حمایت از همدیگر جمع می شویم. به نظرم در این هیئت، جسارت افراد بیشتر می شود و چون نگاه های آزادنده افراد سالم کمتر در اینجا هست، توان یابان و حتی خانواده هایشان که درگیر مشکلات آن ها هستند، احساس راحتی می کنند و از انزوداری آیند.

## حسن تنهایی نداریم

### جواد شیخ تقی آباد، معاون هیئت



مامی خواهیم این هیئت واسطه ای باشد برای خیررسانی. به خانواده های توان یاب و بانوان سرپرست خانوار کمک می کنیم. از تهیه لوازم خانگی گرفته تا دارو و بسته های معیشتی. تاکنون حدود سی خانواده را زیر نظر داشته ایم و هر زمان که در توانمان بوده است، کمک کرده ایم. همه مامی دانیم زندگی ادامه دارد. حتی وقتی شرایط سخت باشد. من در دو سالگی تب کردم و دچار فلج اطفال شدم. از کودکی با معلولیت جسمی و حرکتی زندگی کردم، اما هیچ وقت اجازه ندادم که این مسئله مانع از فعالیت هایم شود. همسر من معلول است و با هم زندگی راساخته ایم. دو فرزند داریم، یکی را عروس کرده ایم و دیگری ده ساله است. اینجا جایی است که آدم احساس تنهایی نمی کند. وقتی می بینم خانواده هایی که مشکلات مشابه دارند، به هم کمک می کنند. احساس خوبی دارم و فکر می کنم کار بزرگی در حال انجام است.

## راهی برای خدمت

### هادی چوپانی دهنوی، عضو هیئت مدیره و مداح هیئت



در هشت ماهگی فلج بودم، اما بعد بهبود پیدا کردم تا اینکه در سه سالگی موتور روی پای راستم افتاد. همه استخوان های پایم خرد شد. از همان سن، راه رفتن برایم سخت شده است. من همیشه دوست داشتم در مراسم مذهبی فعال باشم. مداحی برایم نه تنها یک عشق، بلکه راهی برای خدمت است. در این هیئت، همه یکدیگر را درک می کنند. کسی به توبه چشم یک فرد ناتوان نگاه نمی کند، بلکه همه به فکر این هستند که چگونه می توانند به هم کمک کنند و قوی تر شوند.

## هیئت چند منظوره

### آرزو افقهی، عضو هیئت



اینجا فقط برای افراد محله نیست. از خواجه ربیع، گاز شرقی و حتی قاسم آباد هم می آیند. هیئت ما با استقبال خوبی روبه رو شده است. هر هفته دوشنبه ها بعد از ظهر جلسه برگزار می کنیم و حدود هفتاد مستمع ثابت داریم. برخی از هیئت های توان یابان در مشهد مجوز دارند، اما مستمع پرو پا قرصی ندارند. ما تلاش کرده ایم که فضایی ایجاد کنیم که برای همه جذاب باشد. این هیئت در کنار جلسات مذهبی، برنامه های تفریحی هم دارد. مثلاً سه شنبه ها ظهر، آقایان می توانند رایگان از استخری در همین محدوده استفاده کنند. می خواهیم توان یابان را از انزوا خارج کنیم. درخواستمان این است که مسئولان هم به هیئت بیایند. پای درد دل ضعیف ترین قشر جامعه بنشینند و ببینند که مشکلات این افراد فقط جسمی نیست، بلکه بسیاری از ما با مشکلات معیشتی هم دست و پنجه نرم می کنیم.



فکر بکر بانوی محله راه آهن، هنر حصیربافی خطه جنوب را در مشهد زنده کرد

## میوه کارآفرینی درخت «داز»

۳



راه تجربه

باشند اما توجه مشتریان، حوصله ای می خواهد که با روزمرگی ها و عادت های فروشندگان نمی خواند.

سیده زهرا درباره مردمی نیز که مستقیم با او یا مشتری های سابقش مواجه می شوند کیفیت هارمی ببیند، می گوید: با تعجب و تحسین نگاه می کنند و می گویند چقدر قشنگ! این حصیرها نمی شکند؟ وقتی سادگی نگهداری از کیف هارا می شنوند، تعجبشان بیشتر می شود. مثلاً اینکه هر چند ماه یک بار، کافی است یک دستمال مرطوب روی بدنه کیف بکشیم و آن را یک باره زیر آب ببریم.

### ● کاش های پیش رو

بسته به میزان سفارش ها، بین پنج تا پانزده هنرمند حصیرباف در جنوب کشور، همکاران او هستند و عمده هنرنمایی های روی چرم را نیز سیده زهرا انجام می دهد. می گوید که هزینه تمام شده محصول، تابع سفارش مشتری است؛ اینکه دوست دارد در کیفش از جنس پارچه باشد، چرم طبیعی یا مصنوعی. طرحی نیز که به سلیقه خود برای روی در انتخاب می کند. در قیمت نهایی تأثیر دارد و دامنه آن را برای درآمد های مختلف، از ۳۰۰ هزار تومان تا چند میلیون تومان تغییر می دهد. سیده زهرا اطمینان دارد این کیف که نسل اول آن، آبان پارسال رونمایی شد، با تمام دشواری های پیش رو برای ثبت برند و دریافت مجوز تولید صنعتی، آینده ای درخشان دارد. خبرهای رسیده از روستاهای جنوب کشور مبنی بر اقبال تدریجی جوانان به یادگیری حصیربافی از بزرگ ترهایشان، یکی از این نشانه هاست.



شهامت | مدت ها به دنبال راهی می گشت که پیدایش نمی کرد؛ چیزی که بتواند تمام ای کاش های خود و خیلی های دیگر را محقق کند. همسرش، آقای محمد رضا که به خاطر کارهای جهادی مدام به مناطق جنوبی کشور رفت و آمد دارد، از رویای های خاک خورده پیرزن پشاکردی گفته بود که به برگ های گیاه «داز»، نگاه می کرد و آرزوی بافتن حصیر را برای مشتری هایی که نبودند، در سر می پیرواند. گشت و گذار بی نتیجه سیده زهرا قلندری، بانوی هنرمند محله راه آهن، در هزار توی دالان های ذهنش، به درازا کشیده بود اما اعتقادش به توانمندی بانوان خطه جنوب، نمی گذاشت تسلیم ناامیدی شود. سرانجام در لحظه ای که انتظارش رانداشت، چراغی گوشه ذهنش روشن شد: ایده ای که کاش های او و بانوان هنرمند بسیاری را در دور افتاده ترین روستاها، محقق کرد. کیف هایی که امروز بر دوش هنردوستان، این سو و آن سوی مرزها قرار دارد، ثمره همان ایده است.

### ● اهل مدرک جمع کردن نیستیم

«متولد ۱۳۷۸ هستم. اهل درس خواندن نبودم. کلاس نهم، انتخاب من، رشته هنر بود که با معیارهای خانواده و اطرافیانم جور در نمی آمد. آن هارایضی و تجربی رادرس می دانستند. در این شرایط به رشته انسانی بسنده کردم.» سرانجام تحصیل در رشته ای نه چندان باب میل، به پایان مقطع دیپلم انجامید و سیده زهرا برای همیشه عطای درس خواندن را به لقایش بخشید، بلکه از رهگذر فراغ بال ناشی از این تصمیم، بیشتر بتواند به هنر بپردازد. او در سکوت اتاقی که در طبقه همکف خانه، به بروز هنرمندی هایش اختصاص یافته است، از مدارک و مجوزهایی می گوید که تنها بخشی از ذوق هنری او را اثبات می کنند. مدرک فنی و حرفه ای گل دوزی دارم و مجوز صنایع دستی چرم راز درگاه ملی مجوزها گرفته ام. اهل کلاس رفتن برای جمع کردن مدرک نیستیم. وقتی به یک کار هنری نگاه می کنم، از اینکه چطور انجام شده است، سر در می آورم و ناخودآگاه ایده هایی در ذهنم تراوش می کند. روی همین حساب، هنرهای مختلفی مثل نقاشی، جواهردوزی، حکاکی روی چرم و... را انجام می دهم.

### ● رنگ تازه به دغدغه دیرینه

ازدواج با محمد رضا شیخ الاسلامی به عنوان یک فعال اجتماعی که اهل انجام فعالیت های جهادی و پژوهشی بود، به دغدغه های هنری قلندری، رنگی تازه داد. او که تا به حال به هنر صرفاً از جنبه زیبایی و لذت درونی آن نگاه می کرد، به کارکرد های تازه ای پی برد: «شوهرم به همراه رفقای جهادگوش به نقاط دور افتاده سفر می کرد، روستاهایی در جنوب کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان که از حداقل هایی مثل راه ارتباطی مناسب و آنتن دهی تلفن بی بهره بودند. در عین حال هنرهایی بومی داشتند که به دلیل به روز نشدن، مورد اقبال نسل جوان قرار نگرفته بود. در نتیجه تقریباً تمام هنرمندان شان دچار کهنوت سن بودند. باید کاری می کردم، اما چه کار؟ این چیزی بود که ذهنم را مشغول کرده بود.»



### ● تحسین و تعجب مشتریان

راه اندازی سایت و صفحاتی در فضای مجازی، راهی برای رساندن صدای این هنر نو و تلفیقی به مخاطبانش بود که نامش را «کاش گالری» گذاشته است؛ مخاطبانی که دامنه آن از ایران فراتر رفته و به آلمان و کانادا نیز رسیده است. سیده زهرا کیف شخصی اش را که با نقش بنه جقه و ترکیبی از هنر حصیربافی، چرم دوزی و جواهردوزی است، نشانمان می دهد و می گوید: متأسفانه محله راه آهن که من شش سال است در آن زندگی می کنم، بافت جمعیتی جوانی ندارد و اقتضای سن و رو حیات عموم بانوان سالخورده، اقبال به خلاقیت ها و ابتکارات نیست.

او ادامه می دهد: زائرپذیری این محله نیز به دلیل نداشتن فضای برای گفت و گوی رودررو با زائران و توضیح ویژگی های این محصول جدید، کمکی به شناخته شدن و فروش بیشتر آن نکرده است. از برخی فروشگاه های منطقه خواستیم که با دریافت سود، فروشنده محصولات ما



با همراهی امام جماعت مسجد الزهرا(س) بستری برای رونق معیشت خانواده‌ها فراهم شده است

## بازاری که با دست و دل بانوان می‌چرخد

۳



راه تجربه

شاهیان هوای مسجد الزهرا(س) در محله طبرسی شمالی چندوقتی است که روزهای دوشنبه بوی ادویه‌های تازه و تری‌های خانگی گرفته است. گوشه‌ای هم بسته‌های ترمه و لباس و حوله کنار شیشه‌های شیره انگور چیده شده‌اند. بانوانی حضور پیدا کرده‌اند و با مشتری‌ها گرم صحبت‌اند؛ برخی هم مشغول چیدن اجناسشان هستند و بازار گرمی می‌کنند. مسجد الزهرا(س) در کنار برگزاری مراسم عبادی، به دنبال رفع مشکلات اهالی بوده است تا گشایشی هرچند کوچک در وضع معیشت آنان اتفاق بیفتد.

### ● استقبال از لباس خوب نیست

لیلا جعفرزاده که مسئولیت پایگاه بسیج مسجد را برعهده دارد، درباره این فروشگاه می‌گوید: از هفته بسیج امسال با همراهی و موافقت امام جماعت مسجد الزهرا(س)، اینجا برای خانم‌هایی راه انداختیم که دنبال یک راه درآمد بودند. بیشتر هدف ما خانم‌هایی بودند که خودسرپرست هستند یا همسرشان درآمد ثابتی ندارد، ولی محدودیتی نیست و همه می‌توانند بیایند. این فروشگاه در ابتدای راه اندازی، یکشنبه‌ها برگزار می‌شد. اما قطعی برق و مشکلات بعدی سبب شد که روز آن راه دوشنبه‌ها تغییر دهند. فروشگاه از ساعت ۱۰ تا ۱۱:۳۰ برپاست؛ زمانی کوتاه که برای خیلی‌ها فرصت مهمی است. و برای همین بعد از نماز هم امتداد پیدا می‌کند؛ زمانی که با هنر دستشان و همت بلندشان، بخشی از خرج خانه را درمی‌آورند. یکی از فروشندگان، سیده مریم باغده‌ای است. بانویی سی‌وسه ساله که لباس می‌فروشد. او که خودش از بسیجیان مسجد بوده و از کانال بسیج هم متوجه برپایی

فروشگاه شده است، درباره کارش می‌گوید: من از مغازه‌ها و خیابان‌ها لباس امانی می‌گیرم، هم برای بزرگسال، هم کودک. قبل از این، خانه به خانه می‌فروختم؛ مثلاً در جلسه‌های زنانه یا دوره‌های قرآن. اما از وقتی این فروشگاه راه افتاده است، لباس‌ها را اینجا می‌آورم. با این حال، استقبال آن‌طور که دلم می‌خواهد نیست. با اینکه قسطی می‌فروشم، گاهی هیچ درآمدی ندارم. بار لباس‌ها برایش سنگین است و وسیله‌ای برای رفت و آمد ندارد. می‌گوید: اگر ماشین داشتم، کارم راحت‌تر و فروشم بهتر می‌شد، چون می‌توانستم در مکان‌های دیگر هم غرفه بگیرم.

### ● محصولات خوراکی و فروش بهتر

یکی دیگر از فروشندگان، صاحب‌جان ایروانی اهل نیشابور، بسته‌های آلو، کشمش و لواشک دارد. او باغ‌دار و مدتی است که به این فروشگاه آمده و بیشتر محصولات ارگانیک و خانگی می‌فروشد که این روزها طرفداران بسیاری هم دارد. خودش می‌گوید دلیل

فروشنش هم خوراکی بودن محصولات است؛ چون مردم از هرچه بزنند، نمی‌توانند از شکمشان بزنند. درباره کارش می‌گوید: ما باغ‌آلو داریم و قبلاً محصولاتمان را بین آشناها پخش می‌کردیم. ولی حالا که جایی برای فروش پیدا شده است، محصولات را برای اینجا آماده می‌کنیم. سپس با رضایتی نصفه نیمه اضافه می‌کند: نمی‌توانیم حجم زیادی محصول به مسجد بیاوریم، اما همین هم غنیمت است. هر هفته حدود ۱۰ تا ۲۰ کیلو لواشک می‌فروشد. او هم مانند مریم باغده‌ای باور دارد که وضعیت مالی مردم منطقه ضعیف است و آن‌ها فقط می‌خواهند یک لقمه نان حلال در بیاورند.

ایروانی یک درخواست دارد: اگر یک مجتمع برای فروش محصولات احداث شود، هم فروش بیشتر می‌شود، هم کسانی که می‌فروشند مبلغی دستشان را می‌گیرد. کاش اینجا برای بانوان کلاس ورزش هم برگزار کنند، خیلی‌ها نیاز دارند.

### ● فروشگاه‌های بیرون از مسجد

لیلا جعفرزاده معتقد است که این فروشگاه در همین شکل کوچک هم برای خیلی از زنان یک نقطه امید است. او می‌گوید: تعدادشان زیاد نیست، ولی همین چند نفر هم که راضی‌اند، ارزش دارد. همه فروش کالاها در فضای خواران مسجد برگزار می‌شود. امن و بی‌درد سر. خانم‌ها نیز همین را می‌خواهند. شاید درآمد کم باشد، ولی برای بعضی از خانم‌ها، همین هم نجات‌بخش است. با این حال اگر این فروشگاه بیرون از مسجد، جایی که رهگذران بیشتری ببینند، برگزار شود، امیدها هم بزرگ‌تر می‌شود. شهروندان که تمایل به خرید از این فروشگاه اشتغال‌زایی را دارند، می‌توانند به مسجد الزهرا(س) واقع در طبرسی شمالی ۳۸، طباطبایی ۱۵ مراجعه کنند.



روایت یک قدم خیر که به همت والدین بچه‌های مدرسه صافورا برداشته شد

## تقسیم شادی بین دانش‌آموزان

۴



پایانی مدرسه به دفتر فراخواندیم و به بهانه‌های مختلف از آن‌ها قدردانی کردیم.

### ● کمک برای شادی روح پدر

احمد زهانی، پدر یکی از دانش‌آموزان مدرسه است که در این طرح مشارکت کرده. او می‌گوید: زهرا وقتی از مدرسه آمد، موضوع جمع‌آوری کمک را با ما در میان گذاشت. از آنجاکه پدرم به تازگی به رحمت خدا رفته بود و خود ایشان هم جزو خیران بود، تصمیم گرفتیم در حد توانم برای شادی روح پدرم مشارکت کنم. خوشحالی زهرا برای آقای زهانی خاطره خوبی است که گوشه ذهنش نقش بسته. او می‌گوید: روز بعد، وقتی زهرا به خانه آمد خیلی خوشحال بود از اینکه توانسته است به بچه‌های مدرسه کمک کند. مدیر و معلمان از او به خاطر کار خیرخواهانه‌اش قدردانی کرده بودند و او خوشحال بود. با این اقدام دخترم آموخت که شادی را هم می‌توان تقسیم کرد.

«برای خرید لباس عید اقدام کردیم اما مشکلات اقتصادی کاری کرده بود که خیران پای کار نیایند.» این جمله را تمیزی می‌گوید و ادامه می‌دهد: برای شادی دل بچه‌های نیازمند باید لباس عید می‌خریدیم. خیران اوضاع مالی‌شان نابسامان بود و تمایلی به حمایت نداشتند؛ بنابراین جلسه انجمن و اولیا را برگزار کردیم و در پایان تصمیم گرفتیم با کمک والدین دانش‌آموزان، نیازهای دانش‌آموزان کم بضاعت و یتیم را رفع کنیم.

### ● طرحی برای شادی دل دانش‌آموزان نیازمند

مدیر مدرسه صافورا در توضیح این ایده می‌گوید: بین دانش‌آموزان، پاکت‌هایی به همراه یک نامه توزیع کردیم. در این نامه، موضوع را با والدین مطرح کردیم و خدا را شکر با استقبال خوب آن‌ها روبه‌رو شد و باز خورد‌های خوبی هم به دستمان رسید. بعضی از والدین درخواست کردند که این طرح را در مدرسه ادامه دهیم و با کمک هم مشکل‌گشایی کنیم. تکریم دانش‌آموزان نیازمند، یکی از بخش‌های مهم این طرح بوده است. تمیزی در این باره می‌گوید: توانستیم با حمایت والدین و معلمان دل ۴۸ دانش‌آموز نیازمند و یتیم مدرسه را شاد کنیم و برای حفظ کرامت انسانی‌شان، آن‌ها را در لحظات

محمد رضا فیضی در هفته‌های اخیر بعضی از دانش‌آموزان لباس نو خریده‌اند و برای رسیدن سال نولحظه شماری می‌کنند. بعضی هم به دلیل مشکلات اقتصادی خانواده‌هایشان نه از لباس نو برایشان خبری است و نه دلشان می‌خواهد عیدی در میان باشند. مدیر و انجمن اولیا و مربیان مدرسه صافورا در محله رده اما حواسشان به همه چیز هست. آن‌ها از یک ماه قبل، جلسه‌هایی بین خودشان برگزار کرده‌اند تا بتوانند با حمایت‌های خیرخواهانه، دل بچه‌های نیازمند و یتیم مدرسه را شاد کنند. در یکی از همین جلسات به ایده‌ای رسیدند که با استقبال معلمان و اولیای دانش‌آموزان روبه‌رو شد و توانستند دل حدود پنجاه دانش‌آموز مدرسه را شاد کنند.

### ● رفع نیازهای دانش‌آموزان با کمک والدین

مهتری تمیزی، مدیر مدرسه صافورا (دوره اول) است. اولین سالی است که مدیریت این مدرسه را برعهده دارد و دغدغه‌اش از همان زمان ورودش، رفع نیازهای دانش‌آموزان بوده است. می‌گوید: هم‌زمان با ماه مهر که مدارس باز شد، شناسایی دانش‌آموزان نیازمند را در دستور کار قرار دادیم. با کمک انجمن اولیای مدرسه، تحقیقات اولیه را درباره تعدادی از دانش‌آموزان کم‌برخوردار انجام دادیم و نیازمندان واقعی شناسایی شدند تا در مناسبتهای مختلف سال مورد حمایت قرار گیرند.



پس از انتشار گزارش شهرازمحله، عملیات جمع‌آوری کارگاه قطار شهری در طبرسی شمالی ۵۸ آغاز شد

## وعده قطار شهری در مسیر تحقق

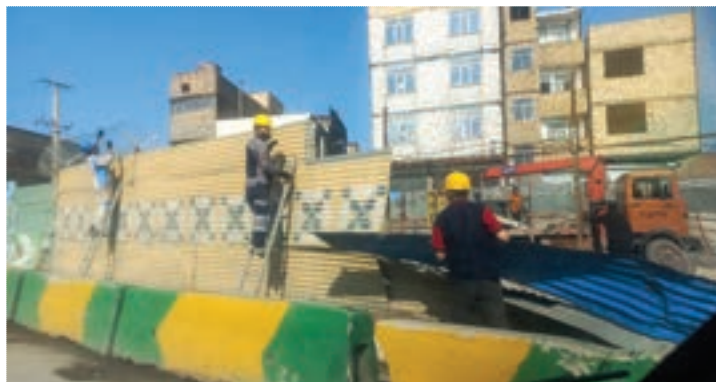


مراحل پایانی خود قرار دارد و تا پایان سال، عملیات زیرسازی به پایان خواهد رسید

شهری مشهد به شهرازمحله و عده داد که عملیات احداث راهبرسرای خط ۲ مترو در

شاهیان هفته پیش در صفحه ۲ شهرازمحله، گزارشی از مشکلات شهروندان محله طبرسی شمالی با عنوان «یک معبر در اشغال کارگاه قطار شهری» منتشر کردیم. در این گزارش، شهروندان محدوده طبرسی شمالی ۵۸ از مشکل کم عرض بودن این معبر گفتند؛ معضلی که به وجود یکی از کارگاه‌های قطار شهری در این نقطه مربوط بود. این موضوع نه تنها مشکلاتی در رفت و آمد و نشانی دهی ساکنان ایجاد کرده بود، بلکه در ساعت‌های تعطیلی مدرسه‌ها، دانش‌آموزان را با خطرهای جدی تهدید می‌کرد.

به دنبال مطالبه و پیگیری‌های مستمر شهروندان، مدیر روابط عمومی شرکت قطار



و برای آسفالت تحویل شهرداری منطقه می‌شود.

طی بازدید میدانی شهرازمحله که پنجشنبه گذشته از محدوده طبرسی شمالی ۵۸ صورت گرفت، عملیات بازگشایی این معبر با جمع‌آوری حفاظ اطراف این کارگاه آغاز شده است و به زودی پس از آسفالت در اختیار مردم قرار خواهد گرفت.



## محله به روایت شما

طرح «حوالی بهشت» از سوی آستان قدس رضوی در محله رده برگزار شد. در این برنامه ۳۰۰ دختر روزه‌اولی جشن عبادت خود را در مسجد جواد الائمه (ع) متفاوت رقم زدند.  
**حسین نیازجو، محله رده**



مسابقات فوتبال ویژه نونهالان و نوجوانان در زمین چمن بوستان بسیج در حال برگزاری است. این مسابقات با حمایت شورای اجتماعی محله تلگرد و مشارکت تشکل‌های محله برگزار می‌شود. تصمیم داریم طی این بازی‌ها بچه‌های با استعداد را شناسایی کنیم.  
**مهدی طیبی، محله تلگرد**

در پی ارسال تصویری از سوی یوسف احمدی، شهروند محله شهید قربانی، به شهرازمحله، مبنی بر سرقت درپوش کانال هدایت آب‌های سطحی و احتمال سقوط کودکان و نوجوانان به داخل کانال، پس از پیگیری شهرازمحله از اداره خدمات شهری، درپوش نصب و خطر رفع شد.



نوجوانان مسجد قائمیه آتش نشان شدند. این طرح هم‌زمان با فرارسیدن ایام چهارشنبه‌سوری و به منظور پیشگیری از خطرات احتمالی، در تقاطع‌های پرتردد منطقه ۱۴ اجرایی شود. نوجوانان با در دست گرفتن پلاکارد به مردم در خصوص خطرات چهارشنبه‌سوری هشدار می‌دهند.  
**سجاد فاضلی، شهروند محله شهید قربانی**